

مقاله پژوهشی اصیل

تأثیر بیان داستانگونه تجربیات بالینی بر مهارت های ارتباط حرفه ای پرستاران

* طاهره تمیمی^۱، کارشناس ارشد پرستاری مراقبت های ویژهمحمد مهدی پیغمبری^۲، متخصص قلب و عروقژاله محمد علیها^۳، کارشناس ارشد پرستاری داخلی جراحیمحمد تقی صفدری^۴، کارشناس ارشد بیهوشیطاهره گنجی^۵، کارشناس ارشد روان پرستاریشیوا خالق پرست^۶، دانشجوی دکترای پرستاری

خلاصه

هدف. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر روش آموزشی بیان داستانگونه تجربیات بالینی بر افزایش شایستگی بالینی پرستاران در زمینه مهارت های ارتباط موثر حرفه ای در پرستاران شاغل در بخش های ویژه مرکز قلب و عروق شهید رجایی انجام شد.

زمینه. ارتباط با بیمار از مهمترین جنبه های حرفه پرستاری است و به اشتراک گذاری دانش ضمنی در این زمینه می تواند موجب بهبود سایر توانایی های پرستار و تیم درمانی گردد. یکی از بهترین روش ها برای انتقال دانش ضمنی، استفاده از روش بیان داستانگونه تجربیات است.

روش کار. این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی مداخله ای با دو گروه مداخله و کنترل بود که به منظور تعیین تأثیر به کارگیری راهبرد انتقال دانش ضمنی با روش بیان داستانگونه تجربیات کاری پرستاران بر شایستگی و صلاحیت بالینی آنها انجام شد. جامعه پژوهش، پرستاران کلیه بخش های ویژه این مرکز بود و ۱۳۰ نفر از پرستاران به طور تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند. آموزش (بیان تجربیات بالینی با بیانی داستانی) در گروه مداخله طی شش ساعت انجام شد. میزان تأثیر مداخله بر متغیر وابسته (مهارت های ارتباط حرفه ای) با پرسشنامه خودابرازی پژوهشگر ساخته که قبل از مداخله و مجدداً یک ماه بعد از آن توسط هر دو گروه تکمیل شد، بررسی گردید. داده ها با آزمون تی زوجی و مستقل، کای دو، آزمون دقیق فیشر، آزمون من ویتنی و تحلیل کوواریانس با نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ تحلیل شد.

یافته ها. میانگین نمرات کلی پیش آزمون در گروه آزمون، ۱۰۴/۶۰ با انحراف معیار ۷/۶۰ و در گروه کنترل، ۱۰۲/۱۳ با انحراف معیار ۹/۲۰ بود. میانگین نمرات پس آزمون در گروه آزمون، ۱۱۷/۹۲ با انحراف معیار ۴/۳۷ و در گروه کنترل، ۱۰۲/۲۵ با انحراف معیار ۸/۶۶ محاسبه شد. تفاوت آماری معناداری بین میانگین نمرات پس آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه ای گروه آزمون و کنترل مشاهده شد ($P < 0.001$)، بدین ترتیب که میانگین نمرات پس آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه ای گروه آزمون بیش از گروه کنترل بود.

نتیجه گیری. یافته ها نشان می دهند که مداخله (بیان داستانگونه تجربیات بالینی) بر شایستگی بالینی اثر گذاشته است. با توجه به اندازه اثر، می توان گفت که ۷۱/۴ درصد تغییرات متغیر وابسته در پس آزمون، ناشی از مداخله است. بر اساس یافته ها، بیان داستانگونه تجربیات فردی را به عنوان یک روش مؤثر در ارتقاء ارتباط حرفه ای مورد توجه قرار داد.

کلمات کلیدی: ارتباط حرفه ای، شایستگی بالینی، داستانگویی، دانش ضمنی

۱ کارشناس ارشد پرستاری مراقبت های ویژه، تهران، ایران (✉ نویسنده مسئول) پست الکترونیک: ta_tamimi@yahoo.com

۲ متخصص داخلی قلب و عروق، استادیار دپارتمان قلب بیمارستان قلب و عروق شهید رجایی، تهران، ایران

۳ عضو هیئت علمی گروه پرستاری مراقبت های ویژه، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۴ کارشناس ارشد بیهوشی، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۵ کارشناس ارشد روان پرستاری، عضو هیئت علمی دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

۶ دانشجوی دکتری پرستاری، دپارتمان پرستاری، بیمارستان قلب و عروق شهید رجایی، تهران، ایران

مقدمه

ارتباط با بیمار از مهمترین جنبه های حرفه پرستاری است که می تواند موجب بهبود سایر توانایی های پرستار و تیم درمانی گردد (باقری، ۱۳۸۶). میرزاییگی، رئیس سازمان نظام پرستاری کشور در اولین سمینار بین المللی ارتباطات حرفه ای در سال ۱۳۹۰ عنوان کرد "مردم همواره انتظار دارند خدماتی با تمام جوانب نظیر تخصص خوب و ارتباطات اخلاقی مناسب را در زمانی کوتاه و با قیمتی مناسب دریافت کنند." همچنین، پروفیسور گراهام در این سمینار اظهار داشتند: "امروزه در تمام دنیا مهم ترین عامل ارتباطات، دانستن و درک نحوه صحیح تعامل و گفتگو است. این در حالی است که هفتاد درصد از مشکلات و اشتباهات حرفه ای نتیجه مستقیم ارتباط ضعیف هستند (یزدی مقدم، ۱۳۹۱). ارتباط نزدیک بین شایستگی و مفهوم کیفیت مراقبت سبب شده است شایستگی بالینی در حرفه پرستاری از جایگاهی منحصر به فرد برخوردار باشد. یکی از محورهای اصلی قضاوت در مورد شایستگی بالینی، نظر بیماران می باشد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰) و جلب رضایت آنان باید هدف اصلی مسئولین و ارائه دهندگان خدمات بهداشتی درمانی باشد. جلب رضایت نیز مستلزم آگاه شدن از نیازها و نظرات آنان از طریق برقراری ارتباط مناسب با مددجویان و خانواده های آنها است. پرسنل پرستاری که به عنوان ارائه دهنده مراقبت به مددجو، بیشترین تماس و ارتباط را با وی دارند، در زنجیره عوامل موثر بر رضایتمندی بیماران، از جایگاه ویژه ای برخوردارند (فکرت، ۱۳۸۷).

با افزایش شایستگی بالینی پرستاران در زمینه ارتباط حرفه ای، کیفیت خدمات پرستاری ارتقاء می یابد و این امر منجر به افزایش رضایت بیماران می شود. همکاری و ارتباط بین پرستاران و پزشکان، اصلی ضروری برای ارائه مراقبت است. در سیستم مراقبتی، همکاری با تمرکز بر نیازهای بیمار و پیامدهای حاصل از برنامه مراقبتی صورت می گیرد (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۲). در سال های اخیر، تاکید بر حرفه ای بودن پرستاری شده است، که در این رابطه، سیستم مراقبت بهداشتی نیازمند پرستاری است که به طور موفقیت آمیزی با اعضای تیم چند رشته ای و بیماران و خانواده آنان ارتباط برقرار نمایند (آپکر و همکاران، ۲۰۰۶). منظور از ارتباطات حرفه ای، وجود احترام متقابل نسبت به ارزش های حرفه ای، توانایی های فردی، استفاده از دانش، تجربیات همکاران، نظر خواهی و مشورت با همکاران در حین تصمیم گیری است (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹). در این میان، پرستاران شاغل در بخش های ویژه به جهت موقعیت خاص، نیازمند شایستگی بیشتری در زمینه برقراری ارتباط حرفه ای با همکاران، بیماران و خانواده های آنها هستند.

راهبرد های زیادی برای افزایش شایستگی بالینی پرستاران وجود دارد. از جمله روش هایی که امروزه برای ارتقاء شایستگی بالینی پرستاران و دانشجویان پرستاری مورد توجه قرار گرفته است، استفاده از دانش تجربی یا دانش ضمنی افراد خبره می باشد. به اشتراک گذاری دانش ضمنی از جمله مسائلی است که سیستم پرستاری با آن روبرو است. با بازنشسته شدن پرستاران، میزان قابل توجهی از دانش ضمنی آنها از دست می رود. یکی از بهترین روش ها برای انتقال دانش ضمنی، استفاده از روش بیان داستانگونه تجربیات است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به ضرورت وجود ارتباط و همکاری میان پزشکان و پرستاران در جهت ارتقاء کیفیت از مراقبت و نیز با توجه به اینکه برقراری ارتباط موثر به طور وسیعی به عنوان یک شاخص کلیدی جهت رضایت، همکاری و التیام بیمار می باشد که هیچ یک از مطالعات به طور کامل کلیه جنبه های ارتباط پرستاری را با هم مورد بررسی قرار نداده است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۰) و همچنین، نظر به این که یکی از بهترین روش ها برای انتقال دانش ضمنی، استفاده از داستانگویی است، این مطالعه با هدف بررسی تاثیر روش آموزشی بیان داستانگونه تجربیات بر افزایش شایستگی بالینی پرستاران در زمینه مهارت های برقراری ارتباط موثر حرفه ای در پرستاران شاغل در بخش های ویژه مرکز قلب و عروق شهید رجایی انجام شد.

مواد و روش ها

این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی با طراحی پیش آزمون- پس آزمون با دو گروه مداخله و کنترل است که به منظور تعیین تاثیر به کارگیری راهبرد انتقال دانش ضمنی با روش بیان داستانگونه تجربیات کاری پرستاران بر شایستگی و صلاحیت بالینی آنها در زمینه ارتباط حرفه ای در بخش های ویژه مرکز آموزشی، تحقیقاتی و درمانی قلب و عروق شهید رجایی تهران اجرا شد. جامعه پژوهش، کلیه پرستاران بخش های ویژه این مرکز بود و ۱۳۰ نفر از پرستاران به طور تصادفی در دو گروه آزمون و کنترل قرار گرفتند.

در این پژوهش، ارتقای مهارت های ارتباط حرفه ای به روش آموزشی نوین بیان داستانونه تجربیات بالینی پرستاران مورد نظر بود. بخش های ویژه مرکز قلب و عروق شهید رجایی برای این پژوهش انتخاب شدند. ماهیت برنامه آموزشی آن ها به طور عمده متمرکز بر تجارب بالینی است و محتوای از قبل تعیین شده ای برای آموزش در نظر گرفته نشده بود. این امر سبب شده گروه در نظر گرفته شده، کاندید مناسبی برای انجام پژوهش باشد. به این ترتیب، کلیه پرستارانی که مدرک لیسانس و بالاتر داشتند و دارای سلامت و ثبات روانی - اجتماعی برای شرکت در جلسات بودند مجاز به شرکت در مطالعه شدند. جلسات به صورت کارگاهی با همکاری انجمن پرستاران قلب ایران برگزار شد و دارای ۵/۴ امتیاز بازآموزی از سامانه آموزش مداوم کشور بود که انگیزه قابل توجهی برای مشارکت فعالانه و موثر پرستاران در طول اجرای پروژه فراهم آورد.

ابزار مورد استفاده برای سنجش صلاحیت بالینی در زمینه ارتباط حرفه ای، پرسشنامه ای پژوهشگر ساخته و دو قسمتی بود. بخش نخست مربوط به اطلاعات فردی و حاوی سوالاتی درباره سن، جنس، تاهل، سطح تحصیلات، بخش محل کار، سابقه کار، شیفت کاری و میزان رضایت از کار بود. در بخش دوم ابزار با ۲۵ گویه، صلاحیت بالینی در زمینه مهارت های ارتباط حرفه ای پرستاران سنجیده می شد. این پرسشنامه محقق ساخته، به صورت خودارزایی تنظیم شده است و قبل از اجرای تحقیق، توسط ده تن از اساتید صاحب نظر دانشگاه علوم پزشکی تهران و ایران مورد بررسی قرار گرفت و پس از انجام تغییرات و اصلاحات پیشنهادی، روایی پرسشنامه تایید شد. پس از آن از طریق روش آزمون - بازآزمون و سنجش همبستگی درونی سوالات از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و ضریب توافق کاپا پایایی ابزار ارزیابی شد، به این ترتیب که پرسشنامه مذکور در یک مطالعه آزمایشی برای ده نفر از پرستاران که خصوصیات جامعه پژوهش را داشتند، به کار گرفته شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹۳ به دست آمد. همچنین، گویه هایی که ضریب کاپای آنها از ۰/۳ کمتر بودند از پرسشنامه حذف شدند و نهایتاً ۲۵ گویه مورد تایید قرار گرفت.

برای شروع نمونه گیری و انجام مداخله، پس از کسب مجوز از دانشگاه های علوم پزشکی تهران، ایران و مرکز قلب و عروق شهید رجایی، به دفتر پرستاری مرکز مراجعه شد تا با هماهنگی مترون و سوپروایزر آموزشی، پژوهشگر به سرپرستاران بخش های مورد نظر معرفی شود. از نمونه های مورد پژوهش، ۷۰ نفر در گروه آزمون، در دو گروه با تعداد مساوی، در جلسات بیان تجربیات شرکت کردند که در نهایت ۶۳ نفر تا پایان پژوهش همکاری کامل داشتند. از ۶۰ نفر پرستاری که در گروه کنترل قرار گرفته بودند همگی تا پایان همکاری لازم به عمل آوردند. پژوهشگر به منظور پیشگیری از انتقال اطلاعات بین نمونه های گروه آزمون و کنترل به جای افراد، هر کدام از بخش ها را به طور جداگانه به عنوان گروه کنترل و مداخله در نظر گرفت.

جهت رعایت اصول اخلاقی پژوهش، علاوه بر کسب مجوز های لازم از مراجع ذی صلاح، شرکت نمونه ها پس از انتخاب تصادفی آنها، کاملاً داوطلبانه صورت گرفت. بعد از توضیحات لازم در مورد طرح، چگونگی استخراج و ارائه اطلاعات، محرمانه بودن اطلاعات فردی، عدم نیاز به درج نام و نام خانوادگی و سایر نکات اخلاقی به نمونه ها، تنها در صورت امضای رضایت نامه کتبی آگاهانه، برای شرکت در جلسات بیان داستانونه تجربیات نام نویسی می شدند و از آنها خواسته می شد که پرسشنامه را تکمیل نمایند. در ابتدای هر جلسه با نصب العین کردن گویه های پرسشنامه، از حاشیه پردازی در حین بیان تجارب شان اجتناب می شد. همچنین، از نمونه ها خواسته می شد که در تمام گویه ها به ترتیب بیان تجربیات داشته باشند. این روند در تمام مدت توسط متخصص ناظر و یک هماهنگ کننده در جلسه به دقت کنترل می گردید. به این ترتیب، پس از پایان یک تجربه و صحبت گوینده، دیگر افراد در رابطه با موضوع و روشن شدن کلیه جوانب تجربه ذکر شده با وی به پرسش و پاسخ می پرداختند و در نهایت نظرات خود را در مورد تجربه مذکور اظهار و در مورد روند کار بحث می نمودند. در نهایت نیز متخصص حاضر در جلسه، تجارب را مبتنی بر منابع علمی مورد تحلیل قرار می داد و آن را به عنوان یک راهکار در برقراری ارتباط حرفه ای تایید یا رد می کرد. جلسات، ضبط و مکتوب شد و پس از تایید مجدد توسط خود افراد و تایید متخصص ناظر بر اساس منابع موجود، در اختیار کلیه نمونه های گروه آزمون قرار گرفت. چهار هفته پس از اتمام جلسات، پرسشنامه ها دوباره توسط هر دو گروه آزمون و کنترل تکمیل شد.

یافته ها

مشارکت کنندگان در توصیف تجربه ارتباط حرفه ای، ماهیت این ارتباط را با بیمار، پزشک، همکاران و مافوق های پرستاری، به صورت داستانونه بیان داشتند. بر اساس یافته ها، میانگین سنی ۳۳/۹ سال بود. برخی ویژگی های دموگرافیک شرکت کنندگان در جدول شماره ۱ آمده است.

بررسی نرمال بودن متغیرهای پیوسته پژوهش با استفاده از آزمون آماری کلموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. توزیع تمامی متغیرهای پیوسته پژوهش به جز سابقه کاری در بخش فعلی، طبیعی بود و دو گروه حداقل از نظر آماری، قبل از شروع مطالعه با یکدیگر همگن بودند.

جدول شماره ۱: مشخصات دموگرافیکی نمونه های دو گروه آزمون و کنترل

گروه	آزمون	کنترل
متغیر	تعداد (درصد)	تعداد (درصد)
جنس		
مرد	۷ (۱۰)	۲۰ (۳۳/۳)
زن	۶۳ (۹۰)	۴۰ (۶۶/۷)
وضعیت تاهل		
متاهل	۳۳ (۴۸/۵)	۳۹ (۶۵)
مجرد	۳۵ (۵۱/۵)	۲۱ (۳۵)
تحصیلات		
لیسانس	۶۸ (۹۷/۱)	۵۷ (۹۵)
فوق لیسانس	۲ (۲/۹)	۳ (۵)
رضایت شغلی		
بسیار ناراضی	۴ (۵/۸)	۱ (۱/۷)
ناراضی	۶ (۸/۷)	۷ (۱۱/۷)
نسبتاً راضی	۳۳ (۴۷/۸)	۳۷ (۶۱/۷)
راضی	۲۲ (۳۱/۹)	۱۴ (۲۳/۳)
بسیار راضی	۴ (۵/۸)	۱ (۱/۷)

در گروه آزمون، میانگین نمرات پیش آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای، $104/34$ با انحراف معیار $7/37$ و در پس آزمون، میانگین $117/90$ با انحراف معیار $4/37$ بود. تفاوت آماری معناداری در میانگین نمرات پیش آزمون-پس آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای در گروه آزمون مشاهده می‌شود ($p < 0/001$)، و میانگین نمرات پس آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای بیش از میانگین نمرات پیش آزمون است. در گروه کنترل، میانگین نمرات پیش آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای، $102/25$ و در پس آزمون، $102/25$ با انحراف معیار $8/66$ بود. تفاوت آماری معناداری بین میانگین نمرات پیش آزمون-پس آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای گروه کنترل مشاهده نمی‌شود ($p = 0/748$). بر اساس یافته ها، بین میانگین نمرات پیش آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای گروه آزمون و کنترل تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد ($p = 0/097$)، اما پس از مداخله، میانگین نمرات پس آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای گروه آزمون ($117/92$) با انحراف معیار $4/37$ و کنترل ($102/25$) با انحراف معیار $8/66$ از نظر آماری با هم تفاوت داشت ($p < 0/001$)، به طوری که میانگین نمرات پس آزمون شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه‌ای گروه آزمون نسبت به گروه کنترل بیشتر بود.

آزمون تحلیل کوواریانس نشان می دهد که پس از کنترل آماری تفاوت میانگین نمرات شایستگی بالینی گروه ها در پیش آزمون، مداخله (بیان داستان گونه تجربیات فردی) بر میانگین نمرات شایستگی بالینی در پس آزمون اثر گذاشته است ($P < 0.0001$).

بحث

یافته های پژوهش نشان می دهد که پس از انجام مداخله در گروه آزمون، نمرات شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه ای به طور معنی داری افزایش یافته است. با توجه به اندازه اثر، می توان گفت که ۷۱/۴ درصد تغییرات متغیر وابسته در پس آزمون، ناشی از مداخله است. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید می شود، یعنی بیان داستان گونه تجربیات فردی باعث ارتقاء شایستگی بالینی پرستاران بخش های ویژه مرکز آموزشی تحقیقاتی و درمانی قلب و عروق شهید رجایی در زمینه برقراری ارتباط موثر با بیمار و همکاران تیم درمان می شود.

در پژوهش امین (۱۳۷۹) نیز که به افزایش تعاملات ارتباطی سالم به کمک آموزش کارگاهی تحلیل رفتار متقابل در بین کارشناسان اداره کل منابع طبیعی استان فارس پرداخته بود، نتایج نشان داد که بین وضعیت پیش از برگزاری آموزش کارگاهی و پس از آن تفاوت معنادار وجود دارد و پس از برگزاری کارگاه، تعاملات ارتباطی آن ها به میزان قابل توجهی افزایش یافته بود (هنرپروران و همکاران، ۱۳۹۲).

در این مطالعه اکثر نمونه ها در زمینه ارتباط حرفه ای از دیدگاه خودشان دارای شایستگی مطلوب بودند، اما در یک تحقیق توصیفی تحلیلی که در سال ۸۹ در بناب و مراغه توسط رستمی انجام شد، از دیدگاه پرستاران فقط ۱۳/۴ درصد از پزشکان ارتباط خوبی با پرستاران داشتند (رستمی و همکاران، ۱۳۸۹). در تحقیق حاضر، قبل و بعد از مداخله، سطح شایستگی بالینی دو گروه بالاتر از حد میانگین بود که این نتیجه با نتایج تحقیق بحرینی در سال ۱۳۸۷ در بوشهر مطابقت دارد. در مطالعه بحرینی که به روش خودابرازی انجام شد، پرستاران سطح شایستگی خود را خوب ارزیابی کردند (بحرینی و همکاران، ۱۳۸۷).

در مطالعه حاضر نشان داده شد که انتقال دانش ضمنی از طریق داستان گویی موجب ارتقاء شایستگی بالینی پرستاران در زمینه ارتباط حرفه ای شده است. این نتیجه یافته های پژوهش قاسمی در سال ۱۳۹۰ را نیز تأیید می کند که حاکی از ارتقاء شایستگی بالینی پرستاران در زمینه های مختلف مربوط به شایستگی بالینی از طریق داستان گویی بود. نتیجه مطالعه مصطفی زاده (۱۳۸۹) نیز نتایج پژوهش حاضر را مورد تأیید قرار می دهد. بر اساس آن مطالعه، قصه گویی یک روش آموزشی فعال و موثر در امور آموزشی بالینی پرستاری و مامایی به شمار می رود که باعث ایجاد یادگیری عمیق و تفکر انتقادی در دانشجویان و ارتقاء سطح مهارت های بالینی در دانشجویان می شود.

نتیجه گیری

انتقال تجارب و دانش با بیانی داستان گونه باعث ارتقاء مهارت های اختصاصی ارتباط حرفه ای می شود. پرستاران پس از شرکت در جلسات داستان گویی، افزایش شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه ای را نشان دادند. این تحقیق نشان داد که انتقال دانش ضمنی با بیانی داستان گونه موجب ارتقاء شایستگی بالینی در زمینه ارتباط حرفه ای پرستاران شاغل در بخش های ویژه می شود و فرضیه پژوهش تأیید شد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که اهمیت ارتباطات حرفه ای در پرستاری و نقش موثر آن در ارتقاء صلاحیت بالینی پرستاران در این زمینه غیرقابل انکار است. همچنین، این نکته که روش بیان داستان گونه تجارب بالینی افراد خبره موجب افزایش مهارت های ارتباطی آنها شده است می تواند موید سودمندی این راهکار آموزشی در یادگیری موثرتر و احتمالاً پایدارتر در افراد باشد.

تقدیر و تشکر

در پایان از مساعدت و همکاری استاد فرزانه و ارجمند آقای محمدتقی صفدری، رئیس انجمن علمی پرستاران قلب ایران، و نیز مدیران پرستاری مرکز قلب و عروق شهید رجایی، سپاسگزاری می نمایم.

منابع فارسی

- بحرینی، مسعود و همکاران (۱۳۸۷). تعیین صلاحیت بالینی پرستاران شاغل در بیمارستانهای وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به روش خود ارزیابی. فصلنامه طب جنوب دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، سال یازدهم، شماره یک.
- رستمی حسین، رحمانی آزاد و قهرمانیان اکرم (۱۳۸۹). ارتباط حرفه ای بین پرستاران و پزشکان از دیدگاه پرستاران، مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی بویه گرگان، دوره ۷، شماره ۱، ۶۳ - ۷۲.
- عظیمی حمیده و همکاران (۱۳۹۰). تجربه ارتباط حرفه ای پرستاران در بیمارستان های آموزشی: یک پژوهش پدیدار شناسی. مجله دانشکده علوم پزشکی مازندران. ۲۱(۸۵): ۱۰۸-۱۲۵.
- فخرموحدی علی و همکاران (۲۰۱۲). تبیین راهبردهای برقراری ارتباط پرستار-بیمار. مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات). ۱۸(۴): ۴۶-۲۸.
- قاسمی کبری و همکاران (۲۰۱۲). تأثیر انتقال دانش ضمنی بر شایستگی بالینی پرستاران. فصلنامه علمی پژوهشی توانبخشی ۱۲(۴): ۸-۱۳.
- مصطفی زاده فریده. (۱۳۸۹). قصه گویی، روشی نوین در آموزش بالینی دانشجویان. پژوهش در آموزش علوم پزشکی: ۲(۲).
- هنرپروران نازنین، موسوی سکینه، قادری زهرا (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی تحلیل ارتباط متقابل بر کیفیت زندگی پرستاران زن بیمارستان سلمان فارسی بوشهر. پایان نامه کارشناسی ارشد.

منابع انگلیسی

- Apker, J., Propp, K. M., Zabava Ford, W. S., & Hofmeister, N. (2006). Collaboration, credibility, compassion, and coordination: professional nurse communication skill sets in health care team interactions. *Journal of Professional Nursing*, 22(3), 180-189.
- Hall R, Andriani P.(2002). Managing knowledge for innovation in: Long Range Planning, 2002; p: 29-48.
- Milton, C. L. (2004). Stories: Implications for nursing ethics and respect for another. *Nursing Science Quarterly*, 17(3), 208-211.

Original Article

The effect of storytelling technique on professional communication skills of nurses

*Tahereh Tamimi¹, MSc
Mohammad Mehdi Peighambari², MD
Jaleh Mohamad alaeiha³, MSc
Mohammad-Taghi Safdari⁴, MSc
Tahereh Ganji⁵, MSc
Shiva Khaleghparast⁶, Ph.D Candidate

Abstract

Aim. This study aimed to explore the effectiveness of storytelling technique on professional communication skills of nurses in critical care units of Shahid Rajaee Heart Center.

Background. Patient Communication skill is one of the most important aspects of nursing profession that can improve the overall abilities of nurses and health care team. Sharing the tacit knowledge on patient communication skills is one of the issues with which nursing system encountered. Retirement of experienced nurses causes a considerable loss of tacit knowledge. One of the best ways to transfer tacit knowledge is to apply the storytelling technique in transferring these experiences.

Method. This was a quasi-experimental study with control group. It was conducted on 130 nurses, working in the ICU, who were randomly divided into groups of intervention and control. The intervention group was instructed via storytelling on clinical experiences within 6 hours. The effect of the intervention was tested through a self-reflective questionnaire completed by both groups before the intervention and one month later. To analyze the data, paired and independent T-test, Chi-square, Fisher exact test, Mann-Whitney U test and the analysis of covariance via SPSS version 21 were applied.

Finding. Results showed that the intervention and control groups' pre-test scores were 104.60 with standard deviation of 7.60 and 103.13 with a standard deviation of 9.60, respectively. Furthermore, their post-test scores were estimated as 117.92 with a standard deviation of 4.37 and 102.25 with standard deviation of 8.66 accordingly. There was a statistically significant difference between the post-test scores of intervention and control groups regarding their professional communication skills ($p < 0.001$). According to the sample based effect sizes, 71.4% of the variability in the post-test is caused by the intervention.

Conclusion. Based on the findings, it can be concluded that storytelling technique enhances the clinical competency of nurses in terms of professional effective communication with both patients and colleagues. Therefore, this technique can be introduced as an effective way to promote professional communication.

Keywords: Professional communication; Clinical competency; Storytelling; Tacit knowledge

1 Master of Science in Critical Care Nursing, Shahid Radjaee Cardiovascular Hospital, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran (*Corresponding Author) E-mail: ta_tamimi@yahoo.com

2 Associate Professor, Department of Cardiology, Shahid Radjaee Cardiovascular Hospital, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3 Faculty member, department of Critical Care Nursing, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

4 Senior Lecturer, Master of Science in Anesthesiology, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

5 Senior Lecturer, Master of Science in Psychiatric Nursing, School of Nursing and Midwifery, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

6 Ph.D Student, Department of Nursing, Shahid Radjaee Cardiovascular Hospital, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran